

# هنر نفوذ پنهان: استراتژی «قدرت تیز» چین در جهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

مجید روحی دهینه\*

## چکیده

قدرت، یکی از مفاهیم اساسی روابط بین‌الملل است. این مفهوم که به معنای توانایی بازیگر در رسیدن به نتایج دلخواه است، به شیوه‌های مختلفی اعمال می‌شود؛ از جمله سخت، نرم و هوشمند. با گسترش روزافزون قدرت رسانه‌ها، پویایی در روابط میان قدرت‌های بزرگ و همچنین، رقابت آنها برای کسب نفوذ و قدرت بیشتر، مفهوم دیگری از قدرت مطرح شده که از آن به عنوان «قدرت تیز» نام برده می‌شود. چین در سال‌های اخیر برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مختلفی برای دستکاری و جلب توجه افکار عمومی در داخل و خارج بهره برده که برخی تحلیل‌گران، آن را در قالب «قدرت تیز» تبیین و تفسیر کرده‌اند. باور آنها بر این است که چین با استفاده از ایدئولوژی حزبی خود، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، رهبران سیاستمداران و مراکز تحقیقاتی و اقتصادی غرب را تحت نظر گرفته و می‌کوشد آنچه درباره چین گفته و منتشر می‌شود، را مدیریت و محدود کند. در پس همه این اقدامات، اهداف و مقاصد ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک و اقتصادی وجود دارد. این مقاله ضمن تبیین مفهوم «قدرت تیز» درصدد بررسی چرایی و چگونگی استفاده چین از این شیوه اعمال قدرت برای پیشبرد اهداف خود در سیاست خارجی است.

**واژگان کلیدی:** قدرت تیز، حزب کمونیست، مؤسسات کنفوسیوس، ایدئولوژی، نفوذ پنهان.

majidroohi@iaurasht.ac.ir

\* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و چهارم ● شماره اول ● بهار ۱۴۰۰ ● شماره مسلسل ۹۱

## مقدمه

رشد بی‌سابقه اقتصاد چین و تثبیت خود به عنوان قدرتی بزرگ در آسیا، به یکی از موضوعات سیاسی و تحقیقاتی سال‌های اخیر تبدیل شده است. در گذشته، اکثر آثار و تحقیقاتی که در زمینه چین نگارش می‌شد، بیشتر روی موضوعاتی چون قدرت سیاسی، اقتصادی، قدرت تولیدی و پیشرفت‌های نظامی این کشور متمرکز بود. با به قدرت رسیدن «شی جی‌پینگ» در سال ۲۰۱۲ و تغییر و تحولات زیادی که در صحنه سیاست خارجی چین اتفاق افتاد و به‌ویژه اینکه در کنگره هفدهم حزب کمونیست عنوان شد که چین قصد دارد تا اواسط قرن جاری از نظر ترکیب قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی به رهبری جهانی تبدیل شود، بُعد دیگری از قدرت چین توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. رویای بلندپروازانه حزب کمونیست چین برای گسترش آنچه که می‌توان آن را «الگوی چینی»، «طرح چینی» یا «حکمت چینی» نامید، این است که جهان را رهبری کند و نظم نوین جهانی را بنیان گذارد.

بر این اساس، مقام‌های پکن با توجه به مزیت‌هایی که در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی کسب کرده‌اند، به‌گونه جدیدی از قدرت روی آورده‌اند که برخی محققان آن را تحت عنوان «قدرت تیز»<sup>۱</sup> مفهوم‌سازی می‌کنند. این مفهوم که اولین بار توسط «کریستوفر واکر»<sup>۲</sup> و «جسیکا لودویک»<sup>۳</sup> دو محقق «بنیاد موقوفه ملی دموکراسی»<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۷ وارد مباحث علم سیاست و روابط بین‌الملل شد، به معنای توانایی یک بازیگر در دستیابی به قدرت از طریق دستکاری در اطلاعات و ایجاد حواس‌پرتی در طرف مقابل تعریف شده است. در گزارش واکر و لودویک عنوان شده است که چین و روسیه از آزادی کشورهای دموکراتیک استفاده کرده و برای شکل‌دهی به افکار عمومی و بهبود وجهه و اعتبار خود و ایجاد تصویری مطلوب از خود، میلیاردها دلار خرج کرده‌اند. چین از تاکتیک‌ها و روش‌هایی استفاده کرده که نه در چهارچوب قدرت سخت قابلیت تبیین دارد و نه در قالب قدرت نرم؛ زیرا نه اقناع‌کننده است و نه مسالمت‌آمیز (Walker and Ludwig, 2017).

- 
1. Sharp power
  2. Christopher Walker
  3. Jessica Ludwig
  4. National Endowment for Democracy

بر این اساس، هرچند مفهوم قدرت تیز مجادله‌آمیز به نظر می‌رسد و برخی محققان آن را در چارچوب قدرت نرم دسته‌بندی کرده‌اند و برخی دیگر نیز آن را همان «جنگ سیاسی»، «عملیات نفوذ» و «جنگ اطلاعاتی» تعبیر می‌کنند، اما فناوری‌ها و شیوه‌های مورد استفاده چین و روسیه نشان می‌دهد که این‌ها را نمی‌توان در چارچوب قدرت سخت و نرم مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آنها با کمک فناوری‌ها اطلاعاتی و ارتباطی نوین، در حوزه‌های سیاسی و اطلاعاتی کشورهای هدف رخنه و نفوذ کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و آثار منتشرشده از محققان مراکز تحقیقاتی، این سؤال را مطرح می‌کند که عملیات نفوذ یا همان قدرت تیز چین چیست و چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی دارد؟ و چین چرا، چگونه و از چه تاکتیک‌ها و روش‌هایی برای اعمال قدرت تیز خود استفاده می‌کند؟

در پاسخ، می‌توان گفت که قدرت تیز چین، شکل‌دهی به ادراک و رفتار کشورهای هدف از طریق دستکاری در اطلاعات، سانسور، ایجاد حواس‌پرتی و انحراف توجه‌ها از مشکلات و مسائل مربوط به چین از جمله موضوع تبت، اویغورها، تایوان، فالون کنگ‌ها و... است. چرایی استفاده چین از این نوع قدرت را نیز باید در تلاش حزب کمونیست برای محافظت از رژیم و حفظ ثبات آن، رقابت با آمریکا، برخورداری کم چین از قدرت نرم و همچنین، تقویت روایت‌های استراتژیک این کشور دانست. چینی‌ها برای اعمال قدرت تیز خود از مؤسسات کنفوسیوس، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، رسانه‌ها و انتشارات و همچنین، ابزارهای مالی و اقتصادی بهره می‌گیرند. در این مقاله، ضمن پردازش فرضیه فوق، راهکارهایی برای مقابله با قدرت تیز ارائه خواهد شد.

## الف. قدرت تیز

«قدرت تیز» مفهوم جدیدی در حوزه روابط بین‌الملل است. همان‌طور که گفته شد، نخستین بار توسط «کریستوفر واکر» و «جسیکا لودویک» به کار برده شده است. ارائه تعریف دقیقی از این مفهوم دشوار است. اول، اینکه تلاش کشورهای چینی و روسیه و چین، همان‌طور که واکر و

لودویک در گزارش خود و بعدها در مقالات دیگری برای نفوذ در جوامع دموکراتیک توصیف کردند، جنبه جذب و اقناع برای پذیرش خواسته‌هایشان، که جوهر قدرت نرم است، را ندارد، بلکه هدف آنها، منحرف کردن و دستکاری اذهان کشورهای هدف است. به همین خاطر، قدرت تیز را «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای دستیابی به نتایج مطلوب نه از طریق جذب یا اقناع، بلکه از طریق ایجاد حواس‌پرتی و دستکاری در اطلاعات» تعریف کرده‌اند (Walker and Ludwing, 2017). دوم، اینکه تلاش کشورهایمانند چین و روسیه به منظور تقسیم یا جایگزین کردن ایده‌ها، ارزش‌ها و هنجارها یا گسترش مباحث است. در واقع، نوعی «روایت‌سازی» است (Leonova, 2019).

جوزف نای، قدرت تیز را مفهومی قدیمی در روابط بین‌الملل دانسته که در گذشته نیز کشورهایایی چون ایالات متحده و شوروی در طول جنگ سرد آن را به کار برده‌اند. او معتقد است که «قدرت تیز» نوعی جنگ اطلاعاتی و استفاده از اطلاعات جعلی برای اهداف خصمانه است. هدف، تسخیر اذهان و قلوب کشورهای هدف است. هدف قدرت نرم نیز همین هدف را دنبال می‌کند، اما قدرت تیز به شکل ماهرانه‌ای، کشور یا جامعه هدف را دستکاری می‌کند و با تخریب واقعیت‌ها و شکل دادن به آنها از طریق محتوای جعلی اطلاعات، تلاش می‌کند مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. نای همچنین معتقد است که هدف واقعی قدرت تیز، شکل دادن آگاهی‌های عمومی و اذهان و دیدگاه‌های رهبران در سراسر جهان و همچنین تخریب فرآیندهای دموکراتیک غربی است (Nye, 2018). مجله اکونومیست در سرمقاله ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۷ خود، قدرت تیز را متکی به تخریب، قلدرمآبی و فشار توصیف کرد؛ که مخلوط آنها با «خودسانسوری» همراه است (Economist, 2017).

بروس مک‌کلینتاک<sup>۱</sup> (2017) قدرت تیز را بسیار گسترده‌تر و سه بخش آن را از هم متمایز کرده است: جاسوسی سایبری، تروریسم سایبری و عملیات اطلاعاتی آنلاین. رومن استیپر<sup>۲</sup>، قدرت تیز را همان «جنگ سیاسی»<sup>۳</sup> می‌داند که به صورت سیستماتیک به دنبال دستکاری

---

1. Bruce McClintock  
2. Roman Stepar  
3. Political Warfare

هنر نفوذ پنهان: استراتژی «قدرت تند و تیز» چین در جهان ۵

استراتژی و سیاست‌های دفاع ملی و هنجارهای بین‌المللی رقبا است. کاترین تیوهری<sup>۱</sup> (2018)، قدرت تیز را «جنگ اطلاعاتی» تعریف کرده است؛ که بر اساس آن، بازیگر اعمال‌کننده قدرت، با استفاده از اطلاعات و مدیریت آن، در راستای دستیابی به اهداف خود می‌کوشد. در واقع، با انتشار عمدی اطلاعات نادرست، به دنبال برتری نسبت به رقبا و ایجاد سردرگمی و آسیب‌رساندن به ظرفیت‌های آنها استفاده می‌کند. همچنین، با انتشار روایت‌های مثبت از خویش، سعی می‌کند برداشت سایر کشورها را نسبت به خود تغییر دهد. با وجود این تنوع دیدگاه‌ها در تعریف قدرت تیز، نگارنده بر این اعتقاد است که این نوع قدرت، ترکیبی از عملیات نفوذ، اقدامات اطلاعاتی و فعالیت‌های سایبری برای شکل‌دهی به افکار عمومی و نخبگان در کشور هدف، در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر است.

#### ۱. قدرت تیز، قدرت سخت و قدرت نرم

یکی از موضوعات مورد بحث در تعریف و تبیین «قدرت تیز» مجادلاتی است که پیرامون تمایز و شباهت‌های آن با مفاهیم «قدرت سخت» و «قدرت نرم» است. هرچند جوزف نای، قدرت تیز را نوعی قدرت سخت می‌داند که به دنبال دستکاری در اطلاعات است، اما بسیاری از محققان میان این دو مفهوم تمایز قائل می‌شوند. قدرت سخت، درکی رئالیستی از چگونگی تعامل دولت‌ها با یکدیگر است و این نوع قدرت، اساساً با ابزارهای نظامی و بعضاً اقتصادی شناخته می‌شود. نای استدلال کرده که قدرت تیز، نوعی قدرت سخت است؛ زیرا با استفاده از اجبار، دولت‌ها را وادار به انجام کاری می‌کند. در واقع، یک دولت با استفاده از اطلاعات دروغین و غلط و دستکاری در اطلاعات برای اهداف خصمانه، به استفاده از این نوع قدرت مبادرت می‌کند (Nye(a), 2018). اما بسیاری از محققان معتقدند که آنچه قدرت سخت را از قدرت تیز متمایز می‌کند، پنهان‌کاری آن است (Walker and Ludwig, 2017). در عصر اطلاعات، چون دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت صورت می‌گیرد، قدرت تیز، نامشهودتر و ناملموس‌تر از قدرت سخت اعمال می‌شود (Shao, 2019: 132).

---

1. Theohray

2. Information Warfare

در بحث قدرت سخت، بازیگران از ابزار نظامی برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند، اما کشوری که از قدرت تیز استفاده می‌کند، اقداماتی انجام می‌دهد که واضح و روشن نیست و می‌تواند به راحتی مورد انکار قرار گیرد. برای نمونه، در زمان انتخابات، پخش اخبار جعلی از طریق رسانه‌های اجتماعی بدون اینکه آشکارا قابل تشخیص باشد، می‌تواند بر فرآیندهای سیاسی در کشور رقیب تأثیر بگذارد. دستکاری در انتخابات می‌تواند موجب شود تا اعتماد نسبت به دموکراسی کاهش یابد. وقتی دولت‌ها می‌توانند ادعای مربوط به چنین دخالت‌هایی را به راحتی انکار کنند، برای دولتی که هدف مداخله قرار گرفته، دشوار است که بخواهد با استفاده از نیروی نظامی پاسخ دهد. بنابراین، قدرت تیز به دلیل ناملموس بودن، از قدرت سخت متمایز می‌شود (Greene, 2020: 5-6).

تمایز قدرت تیز با قدرت نرم دشوارتر است. نای «قدرت نرم» را توانایی یک کشور برای ترغیب دیگران به آنچه می‌خواهد، بدون زور و اجبار، تعریف کرده است (Ikenberry, 2004: 137). وقتی کشوری از «قدرت نرم» استفاده می‌کند، از مجاب‌کردن به جای پاداش یا اجبار استفاده می‌کند؛ که تفاوت اساسی میان «قدرت نرم» و «قدرت سخت» در همین است (Nye, 2014: 2). تشخیص میان «قدرت تیز» و «قدرت نرم» دشوار است؛ زیرا پیاده‌سازی آنها شبیه به هم است و هر دو از دارایی‌های مشترک مانند رسانه، فرهنگ، سیاست خارجی یا دیاسپورا استفاده می‌کنند (Taehwan, 2018). با این حال، اصلی‌ترین نشانه‌ای که موجب تمایز قدرت تیز از نرم می‌شود، اجبار است. قدرت نرم بر جاذبه و اقناع متکی است و نه اجبار، ولی «قدرت تیز» بر ایجاد حواس‌پرتی و دستکاری در اطلاعات تکیه دارد. حکومت‌هایی مانند چین و روسیه که از قدرت نرم بالایی برخوردار نیستند، سعی می‌کنند با نفوذ در محیط اطلاعاتی و سیاسی کشورهای هدف و شکل‌دهی به افکار عمومی آنها، شرایط را در راستای منافع خود تغییر دهند.

به نظر جوزف نای، وقتی «راشا تودی» روسیه یا «شینهوای» چین در کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند، به دنبال قدرت نرم هستند. اما وقتی رادیو بین‌المللی چین، پنهانی از برخی ایستگاه‌های رادیویی در کشورهای دیگر حمایت می‌کند، وارد حوزه قدرت تیز شده است. مؤسسات کنفوسیوس و مدارس که در دنیا زبان و فرهنگ چینی را آموزش می‌دهند، قدرت

نرم را دنبال می‌کند. اما وقتی که این مؤسسات از مرز تمایز عبور کنند و آزادی آکادمیک را نقض کنند، وارد حیطه قدرت تیز می‌شوند (Nye(a), 2018).

### ب. قدرت تیز چین؛ چرایی و اهداف آن

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و پس از به قدرت رسیدن شی جی‌پینگ، پکن بر تلاش‌های خود برای شکل‌دهی به افکار عمومی در داخل و خارج افزوده است. چین با استفاده از ابزارهای دستکاری و سانسور، تلاش کرده در جوامع هدف رخنه کرده و قدرت و نفوذ خود را افزایش دهد. گزارش‌های آژانس‌های متعدد اطلاعاتی و مراکز تحقیقاتی در کلناده، استرالیا، نیوزلند، آمریکا، اروپا و آمریکای لاتین و همچنین، منابع متعدد علمی حاکی از آن است که حکومت چین به حوزه‌های مختلف در این کشورها وارد شده و به دستکاری اطلاعات پرداخته است. پکن از طریق فعالیت‌های فراملی، برنامه‌های آموزشی و توسعه، تبادلات انسانی و شرکت‌های رسانه‌ای بین‌المللی، که همه از ابزار بالقوه قدرت تیز این کشور محسوب می‌شوند، برای اعمال نفوذ در اهداف خود استفاده می‌کند. در پیاده‌سازی اهداف، یکی ابزار قابل توجه چین، مؤسسات کنفوسیوس است. این مؤسسات که یک سازمان آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش چین هستند که با هدف ارتقای فرهنگ و زبان چین در مقیاس جهانی، طیف گسترده‌ای از افراد در بسیاری از کشورها را تحت پوشش خود دارد؛ که تمرینی برای گسترش نفوذ سیاسی چین محسوب می‌شوند (Shao, 2019: 132).

هرچند این مؤسسات در ابتدا در چارچوب قدرت نرم قابل تحلیل هستند، اما با تلاش برای اقتناع و دستکاری اذهان مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های تدارک دیده شد، از قدرت نرم فاصله گرفته و به قدرت تیز نزدیک می‌شوند. آنها مشارکت‌کنندگان را وسوسه می‌کنند که چنین سیستم‌های سیاسی و ارزشی را در جوامع خود امتحان کنند. علاوه بر این، چین از طریق سرمایه‌گذاری، همکاری مشترک، خرید و فروش سهام و رسانه‌ها، در دموکراسی‌های غربی و جوان و در آمریکای لاتین نفوذ کرده؛ که در آمریکا، اروپای مرکزی و شرقی و همچنین، در

استرالیا، کانادا و نیوزلند، این مسئله مورد مناقشه قرار گرفته است. همچنین، چین تلاش کرده تا رهبران برجسته منطقه از جمله سیاستمداران، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و دیپلمات‌های سابق، مقامات فعلی و سابق دولت و دانشجویان نخبه را جذب کند. این به پکن کمک می‌کند تا افکار عمومی در خارج از کشور را دستکاری کرده و برای پیشبرد اهداف خود از آنها بهره‌برد (Steper, 2020: 6).

با توجه به اهمیت قدرت تیز چین، این پرسش مطرح می‌شود که چرا کشوری چون چین به این نوع از قدرت متوسل شده است؟ یک دلیل این است که این کشور در زمینه قدرت نرم حرف چندانی برای گفتن ندارد و نتوانسته موفق عمل کند (Gao, 2019). چین از همه چیزهایی که یک کشور برای تبدیل شدن به قدرت نرم نیاز دارد، برخوردار است، اما در این زمینه دستاوردهای قابل توجهی کسب نکرده است. در این زمینه، نه فقط در مقایسه با آمریکا، بلکه در مقایسه با همسایگان خود از جمله ژاپن و کره جنوبی نیز عقب‌مانده به حساب می‌آید. اعمال قدرت سخت، هزینه سیاسی بالایی به همراه دارد. جهان در استفاده از قدرت سخت به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف و منافع، روی خوش نشان نمی‌دهد. ضمن اینکه به‌کارگیری قدرت سخت در زمانه کنونی بسیار هزینه‌بر است. این در حالی است که فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی موجب شده تا استفاده از قدرت تیز هم ارزان‌تر تمام شود و هم اینکه امکان تلافی را کاهش دهد (Steper, 2020: 6).

قدرت تیز برای محافظت از ثبات رژیم و امنیت داخلی بسیار مناسب‌تر از قدرت نرم و سخت است. چین دارای جمعیت ۱/۳ میلیارد نفری است. مخالفان می‌توانند به راحتی برای رشد و ثبات چین مشکل ایجاد کنند و در راستای تضعیف قدرت این کشور بکوشند. فناوری اطلاعات، واقعیتی قدرتمند است. حزب کمونیست چین شاید بتواند کنترل شدیدی بر جریان ایده‌ها در داخل سیستم سیاسی خود داشته باشد، ولی در خارج، این امر امکان‌پذیر نیست. این حزب، هرچند بر رسانه‌ها، گفتگوهای آنلاین، گروه‌های مذهبی و انجمن‌های جامعه مدنی کنترل دارد، اما نمی‌تواند رفتار شهروندان خود با جهان خارج را قطع یا تحت کنترل داشته باشد. این شهروندان می‌توانند پس از خروج از کشور با نظرات منفی نسبت به حزب کمونیست مواجه شوند. بنابراین، می‌توانند تهدیدی برای مشروعیت حزب کمونیست چین



باشند و بر گفت‌وگوی‌های مقام‌های پکن با جهان خارج اثر بگذارند. بر اساس این، حزب کمونیست، سرمایه‌گذاری مخفیانه و سازمان‌یافته در قالب رسانه‌ها و سایر ابزارهای قدرت تیز را کلید قدرتمندتر شدن در سطح جهانی قرار داده است (Short, 2018).

همچنین، چین از قدرت تیز استفاده می‌کند تا دیدگاه جامعه جهانی را نسبت به کشور خود تغییر داده و خود را به‌عنوان ملتی مرفه و مسئول معرفی کند. علاوه بر این، چین با استفاده از قدرت تیز می‌خواهد دیدگاه‌های بالقوه زیان‌باری که نسبت به این کشور از غرب می‌آید، را خنثی یا تلطیف کند. ضمن اینکه چین و روسیه از نظم جهانی کنونی ناراضی‌هایی دارند و تلاش می‌کنند هنجارهای هدایت‌کننده این نظم در راستای منافع‌شان تغییر کرده و نگرش مطلوب‌تری نسبت به حاکمیت و اقدامات کشورهای اقتدارگرا به وجود آید. برخی معتقدند که چین و روسیه در حال افزایش ظرفیت قدرت تیز خود برای تغییر روایت‌های جهانی هستند. برخی معتقدند که چون این دو کشور با جذابیت نسبتاً کمتری نسبت به غرب برخوردارند، از طریق کمپین انتشار اطلاعات نادرست و تحریف واقعیت‌ها در پی آن هستند تا به‌عنوان بازیگری قابل قبول‌تر به نظر برسند و نظام‌های سیاسی‌شان مورد استقبال بهتری قرار گیرد. با توجه به اینکه سطح اعتماد به دموکراسی و آزادی‌های فردی در جهان کاهش یافته، چین و روسیه این لحظه را دریافته‌اند و تلاش می‌کنند تا با استفاده از ظرفیت‌های قدرت تیز خود، مردم را از این اندیشه که دموکراسی بهترین نظام حکمرانی است، دورتر کنند و خودشان را به‌عنوان رهبران ماندگارتر در عرصه بین‌المللی تثبیت کنند (Green, 2020: 13).

چین تلاش می‌کند با استفاده از قدرت تیز، ایده‌ها و ارزش‌هایی را که از آنها تحت عنوان «روایت استراتژیک» یاد می‌شود، را برآورده کند. روایت استراتژیک چین در دوره شی‌جی‌پینگ از دو عنصر تشکیل می‌شود: چشم‌انداز «رویای چین» و «ارزش‌های سنتی چینی» که روی اصول کنفوسیوسی بنا شده‌اند (Steper, 2020). چین می‌خواهد با غلبه بر بی‌عدالتی‌های تاریخی، بر قرن‌ها تحقیر که توسط امپریالیسم غربی و ژاپنی بر این کشور تحمیل شده، فائق آید و در ماراتنی صد ساله، به حق خود به‌عنوان بازیگری مهم در روابط بین‌الملل دست یابد. چین در پی تحقق دو آرزوی بزرگ خود تا سال ۲۰۵۰ است: نخست، دستیابی به «جامعه نسبتاً مرفه تا

سال ۲۰۲۱ (مقارن با صدمین سالگرد حزب کمونیست چین) و دوم، دستیابی به «دولتی کاملاً توسعه یافته تا سال ۲۰۴۹ (صدمین سالگرد جمهوری خلق چین)» (Taehwan, 2018: 3).

یکی دیگر از اهداف چین در استفاده از «قدرت تیز» را می‌توان به مقابله با ایالات متحده و گرفتن جای این کشور در نظام بین‌الملل مرتبط دانست. حزب کمونیست چین، آمریکا را رهبر نظم بین‌المللی کنونی و دشمن اصلی خود می‌داند. مایکل پیلسبوری<sup>۱</sup>، کارشناس امنیت ملی معتقد است: «چین استراتژی بلندمدتی دارد که تا سال ۲۰۴۹ یعنی صدمین سالگرد جمهوری خلق چین، نظم اقتصادی و سیاسی جهان به رهبری آمریکا را برهم بزند و کمونیسم را جایگزین آن کند. استراتژی جهانی حزب کمونیست چین بر مقابله با ایالات متحده آمریکا متمرکز شده است. برای این منظور، مقام‌های حزب کمونیست استراتژی چندجانبه‌ای را برای براندازی و محدود کردن ایالات متحده آمریکا اتخاذ کرده‌اند. از نظر ایدئولوژی، با ایالات متحده و سایر کشورهای دموکراتیک و آزاد رقابت می‌کند. با استفاده از انتقال اجباری فناوری و سرقت مالکیت معنوی، سعی می‌کند شکاف فناوری را پر کند و اعتماد به اقتصاد خود را افزایش دهد. از نظر نظامی، این کشور در مناطقی مانند دریای چین جنوبی، درگیر رقابتی خاموش با آمریکا می‌شود و از کره شمالی و سایر رژیم‌های سرکش حمایت می‌کند تا ایالات متحده و ناتو را متوقف کند» (Pillsbury, 2016).

بدین ترتیب، حزب کمونیست چین از یک سو نفوذ خود را در کشورهای مختلف توسعه می‌دهد تا ایالات متحده را مهار کند و از سوی دیگر، دژهایی مخفی را در خاک آمریکا ایجاد می‌کند تا آن کشور را از درون تضعیف کند. چین شبکه گسترده‌ای از عوامل خود را ایجاد کرده تا بر شکاف‌های موجود در جامعه آمریکا بیفزاید و از این طریق، هم به تقویت قدرت و نفوذ خود بپردازد و هم اینکه رقیب خود را از درون تضعیف کند.

### ج. بازیگران و کارگزاران عرصه قدرت تیز چین

هرچند مؤسسات کنفوسیوس و شرکت‌هایی چون هواوی و ZTE مشاخره و چالش بیشتری را در مورد اقدامات چین در غرب برانگیخته‌اند (Cheng, 2018) و در تعقیب عملیات‌های نفوذ جهانی، پکن اغلب از طریق دیاسپورهای چینی، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های فرهنگی، دانشجویان چینی و رسانه‌های بین‌المللی برای پیشبرد اهدافش اقدام می‌کند، اما سازمان‌ها و نهادهای دیگری نیز هستند که به شدت درگیر عملیات نفوذند و هرچند توجه کمتری را برانگیخته‌اند، اما تأثیرات زیادی داشته‌اند. در رأس همه آنها «کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین»<sup>۱</sup> یا «CPPCC» قرار دارد. این نهاد، همه بازیگران داخل و خارج حزب، بزرگان، افسران اطلاعاتی، دیپلمات‌ها، مبلغان، کمیسرها، دانشگاهیان و بازرگانان را گرد هم می‌آورد و اهداف استراتژیک و تبلیغات حزب در آنجا توسعه و گسترش می‌یابد (Cole, 2017).

پس از آن، می‌توان به «دپارتمان کار جبهه متحد»<sup>۲</sup> (UFWD) اشاره کرد که شی‌جی‌چینگ در سپتامبر ۲۰۱۴ در ۶۰ سالگی جشن سیاسی مردم چین از آن به‌عنوان «سلاح جادویی» حزب کمونیست در راستای نفوذ در جوامع بین‌المللی نام برد. این جبهه، وظیفه جمع‌آوری اطلاعات و مدیریت آنها و همچنین، تلاش برای تأثیرگذاری بر افراد و سازمان‌های نخبه در داخل و خارج از کشور را برعهده دارد. همچنین، بخش تبلیغات مرکزی<sup>۳</sup> «دپارتمان روابط بین‌الملل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین»<sup>۴</sup>، «انجمن مردم چین برای ارتباطات دوستانه با کشورهای خارجی»<sup>۵</sup>، «هانبان»<sup>۶</sup> (مؤسسات کنفوسیوس)، «شورای چینی ارتقای اتحاد مجدد ملی صلح‌آمیز»<sup>۷</sup>، «موسسه چینی روابط بین‌الملل معاصر»<sup>۸</sup>، «موسسه مطالعات بین‌المللی و استراتژیک چین»<sup>۹</sup>، «بنیاد تبادل چین-آمریکا»<sup>۱۰</sup> (CUSEF)، «مرکز مطالعات صلح و توسعه»<sup>۱۱</sup> (CPDS)،

- 
1. Chinese People's Political Consultative Conference
  2. United Front Work Department (UFWD)
  3. Central Propaganda Department
  4. The International Liaison Department
  5. The Chinese People's Association for Friendship with Foreign Countries
  6. Hanban
  7. The China Council for the Promotion of Peaceful National Reunification
  8. China Institute of Contemporary International Relations
  9. The China Institute for International Strategic Studies
  10. The China – U.S Exchange Foundation
  11. The Center for Peace and Development Studies

«کمیته صندوق انرژی چین»<sup>۱</sup> (CEFC) و مجموعه دیگری از سازمان‌ها و نهادهای دیگر که در سراسر جهان اغلب در موضوع «اتحاد مسالمت‌آمیز چین» به‌عنوان نشانه آشکاری از تلاش‌های سیاسی با هدف الحاق تایوان عمل می‌کنند (Cole, 2017:12; Stepar, 2020: 15-16) را می‌توان به‌عنوان کارگزاران اصلی عرصه قدرت تیز چین نام برد.

### د. ابزارهای قدرت تیز چین برای نفوذ پنهان در خارج

چین در راستای اعمال قدرت تیز خود در سیاست خارجی، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱. رسانه‌ها

چینی‌ها نسبت به نوع برداشت و احساس خارجی‌ها نسبت به خود و سیاست خارجی کشورشان بسیار حساس هستند. مقامات رسمی دولت چین همواره رسانه‌های غربی را مسئول ایجاد تصویر منفی از خود معرفی می‌کنند. بر این اساس، درک اهمیت ایجاد تصویری مثبت در خارج نسبت به کشور، یکی از مباحث مهم و محوری برای حزب کمونیست چین بوده است (دهوگ، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۲). در این راستا، چین از ابتدای سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون دست به ابتکار عملی بین‌المللی زده است. این کشور تقریباً ۹ میلیارد دلار در تلویزیون مرکزی چین<sup>۲</sup>، رادیو بین‌المللی چین<sup>۳</sup>، چین دیلی<sup>۴</sup> و آژانس خبری شینهوا<sup>۵</sup> سرمایه‌گذاری کرده است (Taehwan, 2018: 5). این موضوع با ظهور شی‌جی‌پینگ در قدرت و تأکید وی در فوریه ۲۰۱۶ بر لزوم تقویت قابلیت‌های ارتباطی بین‌المللی و درخواست از خبرنگاران برای روایت «داستان چین» و رساندن صدای چین به گوش جهانیان (Bandurski, 2016) شدت بیشتری به خود گرفته است.

---

1. The China Energy Fund Committee  
2. China Central TV (CCTV)  
3. China Radio International (CRI)  
4. China Daily  
5. Xinhua News Agency

چین در ۱۴ کشور جهان ۳۳ ایستگاه رادیویی دارد و خبرگزاری شینهوا به عنوان رکن اصلی خبررسانی این کشور توانسته دفاتری را در سراسر جهان ایجاد کند. رسانه‌های بین‌المللی چین، روایت‌های رسمی حزب کمونیست و دولت چین را انعکاس می‌دهند و سعی دارند تا تصاویر و توصیف‌های مغرضانه‌ای که توسط غربی‌ها از چین می‌شود، را رقیق کنند و تصویر دوستانه و مطلوب‌تری از چین بسازند (Taehwan, 2018: 6). در سال ۲۰۱۵ مؤسسه خبری رویترز، فهرستی از ایستگاه‌های رادیویی در سراسر جهان از جمله در فنلاند، ایتالیا، مجارستان، رومانی و کشورهای غربی بالکان منتشر کرد که بخشی از شبکه‌های تحت حمایت دولت چین بوده و برنامه‌هایی در حمایت از پکن پخش می‌کنند (بتزن، ۱۳۹۸: ۲۰). بر اساس تحقیقات رویترز، رادیو بین‌المللی چین از سال ۲۰۱۵ سهام خود را حداقل در ۳۳ شرکت رسانه‌ای محلی در ۱۴ کشور حفظ کرده است. شصت درصد سهام هر یک از این شرکت‌ها متعلق به شرکت «مشاوره رسانه‌ای قرن گوئوژانگ»<sup>۱</sup> است که در پکن مستقر و متعلق به شرکت رادیو بین‌المللی چین است (Taehwan, 2018: 8).

اینها شبکه‌ای جهانی تشکیل داده‌اند تا اخباری مثبت درباره چین و بیشتر به زبان‌های انگلیسی، چینی و همچنین، ایتالیایی و ترکی پخش کنند. روابط دولت‌های آن‌ها در پس پرده این شرکت‌ها پنهان شده است. معمولاً در بازرسی‌هایی نیز مشخص نمی‌شود که چه کسی مسئول است و این، ویژگی دیگری از قدرت تیز است (Economist, 2017).

## ۲. انتشارات و روزنامه‌ها

در سال‌های اخیر، چین از قدرت اقتصادی خود برای اجبار مجلات و رسانه‌ها به سانسور اخبار و اطلاعاتی که خوشایند حزب کمونیست نیستند، استفاده می‌کند. در سال ۲۰۱۷ مقام‌های چینی از دانشگاه کمبریج خواستند تا در مجموع ۳۱۵ مقاله را که مربوط به قتل عام تیان آنمن، انقلاب فرهنگی، موضوع تایوان و تبت بوده، را از سلایط خود حذف کند. در همین حال، انجمن مطالعات آسیایی<sup>۲</sup> که در ایالات متحده مستقر است، نیز اعلام کرد که همین درخواست

---

1. Guoguang Century Media Consultancy  
2. Association for Asian Studies

را مقامات چینی برای حذف تقریباً ۱۰۰ مقاله از ژورنال خود داده‌اند (Cole, 2018: 16). در سال ۲۰۱۷ کتاب «تهاجم خاموش: نفوذ چین در استرالیا»<sup>۱</sup> نوشته کلایو همیلتون<sup>۲</sup> سه مرتبه توسط ناشران استرالیایی به دلیل ترس از عکس‌العمل چینی‌ها رد شد. تحقیق همیلتون نشان می‌داد که چگونه «نهادهای استرالیایی، از مدارس، دانشگاه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای گرفته تا رسانه‌ها؛ صنایعی همچون استخراج معادن، کشاورزی و گردشگری تا دارایی‌های استراتژیک مانند بنادر و شبکه سراسری برق تحت نفوذ قرار دارند و توسط سیستم پیچیده‌ای از نفوذ و کنترل نهادهای حزب خدمت‌گذار حزب کمونیست چین شکل گرفته‌اند (Hamilton, 2018: 1).

برخی بر این باورند که نفوذ حزب کمونیست چین در استرالیا از این نظر ارزش استراتژیکی پیدا کرده که استرالیا از متحدان ایالات متحده محسوب می‌شود و چین به دنبال این است که این ائتلاف و اتحاد را تضعیف کند (Walker and Ludwig, 2017). مقام‌های حزب کمونیست با تشدید فشار روی رسانه‌های چینی‌زبان خارج از کشور، خواستار اخراج روزنامه‌نگاران و سردبیران روزنامه‌هایی می‌شوند که به انتقاد از حزب کمونیست می‌پردازند (Cole, 2017: 18). برای نمونه، فشار حزب کمونیست بر رسانه‌های خارج از کشور منجر به برکناری لی جین<sup>۳</sup> سردبیر روزنامه «اخبار جهانی چین»<sup>۴</sup> بعد از اینکه سعی در انتشار آگاهی از برنده جایزه صلح نوبل داشت، شد. سردبیر روزنامه «چینی کانادایی ان پست»<sup>۵</sup> بعد از اینکه مقاله‌ای در انتقاد از مایکل چان-چینی متولد کانادا و طرفدار پکن- نوشت، اخراج شد. در سپتامبر ۲۰۱۸ آزاد عیسی<sup>۶</sup>، روزنامه‌نگار ایندیپندنت آنلاین<sup>۷</sup> (یک وب‌سایت خبری-تحلیلی در آفریقای جنوبی) بعد از اینکه مقاله‌ای در مورد آزار و اذیت اوینغورها در چین نوشته بود، فهمید که صفحه‌اش بسته شده است.

- 
1. Silent Invasion: Chinas Influence in Australis
  2. Clive Hamilton
  3. Le Ijin
  4. Global Chinese Press
  5. Chinese Canadian Post
  6. Azad Essa
  7. Independent Online

مشخص شد که «صندوق توسعه خصوصی چین-آفریقا»<sup>۱</sup> و «تلویزیون مرکزی چین»<sup>۲</sup> کنترل ۲۰ درصد از سهام این انتشارات را برعهده دارند. مطابق گفته بلومبرگ<sup>۳</sup>، چین در یک دهه گذشته نزدیک به ۳ میلیارد پوند در رسانه‌های مختلف در راستای کسب منافع سرمایه‌گذاری کرده است (Cole, 2018: 17). علاوه بر این، از سال ۲۰۱۴ دانشگاه‌های چینی با همکاری وزارت خارجه برنامه‌هایی را با هدف آموزش روزنامه‌نگاران برگزار کرده است؛ سرمایه‌گذاری که این انتظار را به همراه دارد که این روزنامه‌نگاران بعد از بازگشت به کشور خود بتوانند ویژگی‌های مثبت چین را انعکاس بدهند (Diresta and others, 2020: 1-62). تحقیقات دیگری نشان می‌دهد که پکن تقریباً ۱۰۰۰ روزنامه‌نگار آفریقایی را هر ساله به خدمت می‌گیرد تا آنها را به ارائه دیدگاه و تصویری مثبتی از چین و قدرت آن سوق دهد؛ موضوعی که از آن به عنوان «روزنامه‌نگاری سازنده» یاد شده است (Williamson, 2017-2018: 10). از سال ۲۰۰۹ میلادی، گروهی مرتبط با پکن به نام «بنیاد تعامل چین و ایالات متحده» سفر بیش از ۱۲۰ روزنامه‌نگار از حدود ۵۰ رسانه آمریکایی به چین را فراهم آورده است.

این بنیاد از طریق برگزاری جلسات شام‌های خصوصی با مدیران رسانه‌های مهم ایالات متحده، به دنبال پرورش گروهی از «حامیان غیرچینی» است که به تولید مقالات مثبت درباره چین در رسانه‌های غربی بپردازند (اپک‌تایمز، ۱۳۹۹/۱۰/۲۶). اخبار مثبت درباره چین و پیشرفت‌های اقتصادی این کشور می‌تواند بر افکار عمومی و رسمی ایالات متحده تأثیرگذار باشد و در شکل‌دادن به سیاست رسمی (تجاری و مالی) این کشور در قبال چین موثر واقع شود.

### ۳. نفوذ در میان سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان

در سال‌های اخیر، افشاگری‌هایی در مورد ارتباط وزیران و نمایندگان به‌ویژه در نیوزلند، کانادا و استرالیا با چین صورت گرفته است و عنوان شده که این افراد از موقعیت خود برای

---

1. China – Africa Private Development fund (CADFUND)  
2. China International Television Cooperation  
3. Blomberge  
4. Constructive Journalism

تأثیرگذاری بر روابط میان دو کشور استفاده کرده‌اند و سیاست‌هایی را دنبال کرده‌اند که مطلوب پکن و در راستای منافع این کشور بوده است. در یک مورد در استرالیا، سم دستیاری<sup>۱</sup>، سیاستمدار ایرانی‌تبار حزب کارگر این کشور، پس از اینکه مشخص شد مانع ملاقات سخنگوی وزارت امور خارجه حزب خود با فعال طرفدار دموکراسی در هنگ کنگ شده و همچنین، سندی از وی منتشر شد که در آن از دولت استرالیا درخواست کرده بود که به ادعای سرزمینی چین در دریای چین جنوبی احترام گذارد، از کار برکنار شد. افشاگری‌های بیشتر نشان داد که دو شرکت چینی که یکی از آن‌ها در دست آقای هوانگ (فردی نزدیک به دولت چین) است، در دهه گذشته ۶/۷ میلیون دلار استرالیا معادل پنج میلیون دلار آمریکا به دو حزب اصلی سیاسی این کشور کمک کرده‌اند. در پی این مسائل بود که نمایندگان استرالیا قوانینی را برای جلوگیری از اعطای کمک‌های مالی خارجی به احزاب سیاسی تصویب کردند (Mckenzie and Baker, 2017; Senead, 2018: 22-23).

در ژوئن ۲۰۱۷ شبکه خبری ای.بی.سی استرالیا<sup>۲</sup> گزارشی را بروزرسانی کرد که نشان‌گر تأثیر زیاد کمک‌های نهادهای مرتبط با چین بر سیاست‌های تجاری مابین استرالیا و چین داشت. این گزارش افشا کرد که بیش از ۵/۵ میلیون دلار کمک از سوی شرکت‌ها و افراد حقیقی مرتبط با چین در دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ در اختیار حزب لیبرال و حزب کارگر استرالیا قرار گرفته است (Uhlmann and Greene, 2017). در نیوزیلند نیز «آنه ماری برادی<sup>۳</sup>» کارشناس سیاست چین در دانشگاه کانتربری<sup>۴</sup> در گزارشی در سال ۲۰۱۷ نشان داده است که چگونه چندین عضو پارلمان نیوزلند که متولد چین و دارای روابط نزدیکی با چین هستند و همچنین، بسیاری از سیاستمداران در این کشور از طریق کمک‌های تجار ثروتمند چینی و سازمان‌های تحت پوشش حزب کمونیست چین مانند «انجمن‌های تجاری چین در نیوزلند» رشوه دریافت کرده‌اند (Brady, 2017). اندکی پس از انتشار این گزارش، دفتر برادی تخریب شد.

- 
1. Sam Dastyari
  2. Australian Broadcasting Corporation (ABC News)
  3. Anne – Marie Brady
  4. Canterbury



در کانادا، ریچارد فادن<sup>۱</sup>، مدیر سابق آژانس امنیت اطلاعات این کشور<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۰ هشدار داده بود که نفوذ چین در کانادا در تهاجمی‌ترین شکل ممکن، خود را نشان داده است. او افشا کرد که چگونه دولت چین به مقامات استرالیایی و کانادایی پول داده تا به انتقاد از چین نپردازند (Williamson, 2017-2018: 7).

چین با استفاده از منابع گسترده، سرمایه‌گذاری و بازار بزرگ خود، برای اینکه بر کشورهای هدف تأثیر گذارد، از طریق جلب همکاری افراد بازنشسته، مقام‌های دولتی و اعضای نیروهای مسلح در کشورهای هدف، در راستای منافع خود عمل می‌کند. هرچند همه اینها به خودی خود غیرقانونی محسوب نمی‌شوند، اما وعده سود یا سمت مشاور و عضویت در هیئت مدیره پس از بازنشستگی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا در مواردی ممکن است این مقام‌ها در تصمیم‌گیری‌هایشان به نفع چین یا منافع این کشور عمل کرده باشند. در نوامبر ۲۰۱۷ شواهد زیادی از فساد آقای «جی پینگ پاتریک هو» دبیرکل «صندوق انرژی چین» آشکار شد که توسط دادگاهی آمریکایی به پول‌شویی و نقض اقدامات مربوط به فساد خارجی متهم شده بود. تحقیقات نشان داد که فرد فوق با «دیپارتمان کار جبهه متحد» همکاری زیادی داشته و در سال‌های اخیر نقش مهمی در پیشبرد نفوذ چین در خارج از کشور از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و همکاری‌های خارجی ایفا کرده؛ که موضوع بسیاری از آنها حول ادعاهای چین در مورد تایوان و دریای چین جنوبی بوده است (Cole, 2018: 19).

بر اساس نوشته دیاموند و شل<sup>۳</sup>، از مؤسسه هوور<sup>۴</sup>، چین در ایالت‌ها و در دولت فدرال آمریکا همواره به دنبال شناسایی و پرورش سیاستمداران است. چینی‌ها مانند بسیاری از کشورهای دیگر، از لابی‌ها و روابط عمومی استفاده می‌کنند و با گروه‌های فعال جامعه مدنی همکاری می‌کنند. این فعالیت‌ها که با پشتیبانی دولت مرکزی چین انجام می‌شود، موجبات بازدید مقامات کنگره و کارکنان آن از چین را فراهم می‌آورد. نهادهای چین همواره در جستجوی راه‌هایی هستند که بتوانند از طریق لابی و روابط عمومی با اعضای کنگره ارتباط

---

1. Richard Fadden  
2. Canadian Security Intelligence Service  
3. Larry Diamond and Orville Schell  
4. Hoover Institution

برقرار کنند (Diamond and Schelle, 2018: 7). بنیاد مبادله چین و آمریکا، در سال ۲۰۱۷ حدود ۶۶۸ هزار دلار صرف لابی‌گری به‌ویژه با به‌کارگیری گروه پودستا<sup>۱</sup> و گروه‌های دیگر در کنگره آمریکا در زمینه مناسبات چین و آمریکا کرده است (Allen-Abrahimian, 2017).

در اروپا نیز موسسه سیاست عمومی جهانی<sup>۲</sup> و موسسه مرکاتور در زمینه مطالعات چین<sup>۳</sup> طی گزارشی تحقیقاتی در سال ۲۰۱۸ آورده‌اند: «چین از شیوه‌ای منعطف و جامع برای نفوذ خود استفاده می‌کند که شامل ابزارهای آشکار و پنهان در سه عرصه است: نخبگان سیاسی و اقتصادی؛ رسانه‌ها و افکار عمومی؛ و جامعه مدنی و دانشگاهیان. چین با استفاده از دروازه‌های بسیار باز اروپا، در این کشورها نفوذ کرده و سعی کرده این کشورها را به همسویی با سیاست‌های خود بکشانند. اثرات این رابطه سیاسی نامتقارن به این صورت آشکار شده که کشورهای اروپایی به‌طور فزاینده‌ای به دنبال تنظیم سیاست‌های خود در قالب اطاعت بی‌چون و چرا از چین هستند» (Denner, 2018). پیتر ماتیس<sup>۴</sup> معتقد است چینی‌ها در پی تغییر اکولوژیکی هستند. اگر آنها نفرات خود را به تعداد کافی در موقعیت‌ها و مکان‌های مناسب پرورش دهند، شروع به ایجاد تغییر در مباحث می‌کنند؛ بدون اینکه بخواهند به طور مستقیم دیدگاه‌های خود را تزریق کنند (Mattis, 2018).

#### ۴. گروه‌های چینی خارج از کشور

در راستای استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت تیز، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های هدفی که چین بر آن متمرکز شده، جامعه چینی‌های خارج کشور است. تنها در ایالات متحده آمریکا تقریباً ۲/۴ میلیون چینی زندگی می‌کنند که در ارتقای فرهنگ چین و لابی‌گری برای منافع سیاسی چین نقش ایفا می‌کنند. در طول سال‌های گذشته، چین بیش از ۸۰ اتحادیه حمایت از چینی‌ها در میان جمعیت چینی‌های سراسر جهان تأسیس کرده و همایش‌های منطقه‌ای را برگزار کرده تا این سازمان‌ها را به سمت تشکیل شبکه جهانی متحدی هدایت کند. پکن از

1. Podesta Group

2. Global Public Policy Institute

3. Mercator Institute for China Studies

4. Peter Mattis

طریق این سازمان‌ها، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و آموزشی را حمایت مالی کرده و توسعه داده؛ تا این گروه‌ها را در کنار خود نگه دارد و آنها را برای سرمایه‌گذاری در چین نیز ترغیب کند (دهوگ، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

این گروه‌های بزرگ جامعه چینی‌های خارج از کشور یا دیاسپورای چینی، به‌عنوان یکی دیگر از سرمایه‌های مهم برای قدرت تیز چین نیز عمل می‌کند که توسط وزارت امور جبهه متحد (CPC) به همراه دفتر امور خارجه چین در سطح دولت هدایت می‌شوند (Kynge and et.al, 2017). وزارت کار جبهه متحد، چینی‌های خارج از کشور را به‌عنوان دستیاران مهم نه‌تنها در ترویج و اجرای سیاست‌های پکن مانند ابتکار کمربند-جاده، بلکه به‌مثابه ابزاری برای مقابله با فعالیت‌های ضدچینی مخالفان در خارج از کشور -از جمله فعالان حقوق بشری، جدایی‌طلبان تبتی و طرفداران استقلال تایوان- می‌نگرد. انجمن‌های دیاسپورای چینی غالباً تظاهرات زیادی را علیه چینی‌های فالون گونگ و گروه‌های طرفدار تبت ترتیب می‌دهند. وزارت آموزش و پرورش چین با تاکید بر «آموزش وطن‌پرستی» دستورالعمل‌هایی را در سال ۲۰۱۶ برای ایجاد شبکه‌های چندبُعدی میان سرزمین اصلی چین، دانشجویان خارجی چینی و مأموریت‌های خارجی اعلام کرده است. در ایالات متحده آمریکا تقریباً ۱۵۰ انجمن دانشجویان و دانشمندان چینی وجود دارد؛ که به‌طور فزاینده‌ای در برابر سخنرانی‌ها و فعالیت‌های دیگر در داخل و خارج از دانشگاه که برای چین بسیار مهم هستند، وارد عمل می‌شوند (Taehwan, 2018: 9).

هیئت انجمن متخصصان چینی در کانادا (CPAC) به‌عنوان سازمانی تلقی می‌شود که روابط نزدیکی با پکن دارد. این هیئت، بخشی از کنگره ملی کانادایی‌های چینی تبار (NCCC) است؛ گروهی که منافع حزب کمونیست چین را در کلنادا دنبال می‌کند. به گفته «چن یانگلین» دبیر سابق کنسول‌گری چین در سیدنی استرالیا، کنگره فوق و سازمان‌های وابسته به آن در کشورهای دیگر در صدر گروه‌هایی قرار دارند که توسط سفارت و کنسول‌گری‌های چین در کانادا راه‌اندازی شده تا جامعه چینی‌ها و دولت کانادا را کنترل و تحت تأثیر قرار دهد (Little, 2015).

### ۵. مؤسسات کنفوسیوس

از دارایی‌های فرهنگی به‌عنوان منابع سنتی قدرت نرم، در به‌کارگیری قدرت نیز استفاده می‌شود. چین ۵۱۶ مؤسسه کنفوسیوس<sup>۱</sup> در ۱۴۲ کشور جهان از جمله در اتحادیه اروپا تأسیس کرده است. مرکز بین‌المللی شورای زبان چینی (هانبان<sup>۲</sup>) معمولاً بودجه تأسیس مؤسسات کنفوسیوس، درس و مطالب آموزشی را تأمین می‌کند و البته زیرساخت، اجرا و مدیریت آموزشگاه‌های محلی را نیز فراهم می‌کند. مؤسسات کنفوسیوس به ترویج زبان و فرهنگ چینی می‌پردازند؛ از جمله روایت رسمی چین در مورد تبت و تایوان، که اغلب در تضاد با تحقیقات دانشگاهی است. برخی منتقدان بر این باورند که مؤسسات کنفوسیوس به‌صورت پوششی، در زمینه گسترش نگرش مطلوب از «الگوی چین» در زمینه توسعه و بحث‌های مخفیانه درباره مسائل سانسور شده در چین (مانند قتل عام میدان تیان آنمن) و «اصلاح» استنباط‌ها از چین به‌عنوان کشوری متعصب و سخت‌گیر که حقوق بشر را نقض می‌کند، فعالیت می‌کنند. در سوئد، مؤسسه کنفوسیوس دانشگاه استکهلم (که در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان اولین مؤسسه کنفوسیوس در اروپا تأسیس شد) در سال ۲۰۱۵ به دلیل انتقادهای پرسنل و مردم تعطیل شد (بتزن، ۱۳۹۸: ۲۱).

در خارج از اروپا، دموکراسی‌های غربی مانند ایالات متحده، استرالیا و کانادا به صورت فزاینده‌ای در حال موشکافی عملیات‌های ابزارهای نفوذ چین هستند. انجمن مدرسان دانشگاهی کانادا<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۳ از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کانادا درخواست کردند که مؤسسات کنفوسیوس خود را تعطیل کنند. در سال ۲۰۱۴ انجمن استادان دانشگاه آمریکا<sup>۴</sup> همین سفارش را خطاب به دانشگاه‌های ایالات متحده کرد. استرالیا (که از اولین کشورهای بود که چالش‌های مربوط به نفوذ چین را تشخیص داد) در سال ۲۰۱۷ ممنوعیت کمک‌های مالی خارجی به احزاب سیاسی را اعلام کرد. در گزارشی از سوی سرویس اطلاعات امنیتی

---

1. Confucius Institute (CIS)  
 2. Office of Chinese Language Council International (Hanban)  
 3. Canadian Association of University Teachers  
 4. American Association of University Professors

هنر نفوذ پنهان: استراتژی «قدرت تند و تیز» چین در جهان \_\_\_\_\_ ۲۱

کانادا<sup>۱</sup> در ماه می ۲۰۱۸ آمده است که استرالیا، ژاپن، نیوزیلند و ایالات متحده به دنبال همکاری بیشتر برای مقابله با نفوذ چین هستند؛ چون نگرانی درباره چالش‌های ناشی از این موضوع در کشورهای مذکور به وضوح عمیق‌تر از اروپا است (بتزن، ۱۳۹۸: ۲۱).

از حدود ۵۰۰ مؤسسه کنفوسیوسی که در سراسر جهان وجود دارد، ۱۲ مورد و ۳۵ کلاس آن فقط در کانادا کار می‌کنند. همچنین، تا ابتدای سال ۲۰۱۸ حزب کمونیست چین حدود ۳۹ مؤسسه و ۱۱ کلاس کنفوسیوس را در آمریکای لاتین و کارائیب تأسیس کرده که پذیرای بیش از ۵۰ هزار مراجعه‌کننده هستند. این مؤسسات و مراکز که به‌عنوان عامل بحث‌انگیزی برای گسترش نفوذ پکن به خارج از کشور به حساب می‌آیند، ابزار زرادخانه قدرت تیز پکن محسوب می‌شوند؛ ابزاری که موجبات هراس از آسیب‌پذیری ناشی از آزادی‌های آکادمیک در اروپا، کانادا و آمریکا شده است (Williamson, 2017-2018; Peterson, 2017: 16-17). منتقدان می‌گویند که این مؤسسات نمایی جذاب از چین ارائه می‌دهند و مانع از بحث در مورد موضوعات حساس مانند تبت، تایوان و سین‌کیانگ می‌شوند. مؤسسات کنفوسیوس اغلب به‌عنوان پوششی برای فعالیت‌های مخفیانه از سوی دولت چین عمل می‌کنند. نشانه‌هایی از اعمال زور، انحراف و دستکاری در این مؤسسات دیده می‌شود که نمی‌توان آن را در قالب قدرت نرم ارزیابی کرد؛ بلکه جنبه‌هایی از قدرت تیز هستند (Walker and Ludwig, 2017).

## ۵. دانشگاه‌ها و مراکز علمی - تحقیقاتی

یکی از بارزترین جلوه‌های عملیات نفوذ چین در خارج از کشور، دانشگاه‌ها هستند. حزب کمونیست چین با توجه به نیاز دانشگاه‌های غربی به جذب دانشجویان خارجی و دریافت شهریه، از این وابستگی به نفع خود بهره‌برداری کرده است. بر اساس تازه‌ترین آمار وزارت آموزش و پرورش چین، در سال ۲۰۱۹ تعداد ۷۰۳ هزار و ۵۰۰ دانشجوی چینی در خارج از کشور مشغول تحصیل بوده‌اند (Ministry of Education of the People's Republic of China, December 16, 2020). انجمن‌های دانشجویی چینی همکاری نزدیکی با هم دارند و با

سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های چینی نیز همکاری می‌کنند و از این طریق، به عنوان اهرم فشاری برای لغو اجباری مراسم‌های سخنرانی یا مراسم دعوت از مخالفان یا منتقدان سیاست‌های چین استفاده می‌کنند. در سال ۲۰۱۷ وقتی دانشگاه «سن دیگو» در کالیفرنیا از دلایلی لایاما، رهبر مخالفان تبت، دعوت به سخنرانی کرد، انجمن دانشجویان و دانش‌پژوهان چینی که بیش از ۳۵۰۰ نفر را نمایندگی می‌کند، به این امر اعتراض کرد. در رویداد دیگری، بسیج دانشجویان چینی مستقر در کانادا، در جلوگیری از حضور آناستازیا لین -ملکه زیبایی سابق کانادا و منتقد سرسخت حزب کمونیست چین- در دانشگاه دورهام انگلستان فعال بود (Swerling and Tueker, 2017).

همچنین، دانشجویان چینی در کلاس‌های درس، اساتیدی که به اظهاراتی علیه چین مبادرت می‌ورزند، را رصد می‌کنند. برای نمونه، این دانشجویان زمانی که در یکی از دانشگاه‌های استرالیا استادی از تایوان به‌عنوان کشوری مستقل یاد کرد و با استفاده از نقشه‌ای، مرز چین و هند را نشان داد، دانشجویان چینی این ادعاها نسبت به چین را ناعادلانه توصیف و به آن اعتراض کردند. چنین مواردی، استادان و مدرسین دانشگاهی را وادار به خودسانسوری کرده؛ تا از بحث و گفتگو پیرامون برخی مسائل مربوط به چین به‌ویژه موضوعاتی چون تبت، تایوان، سین‌کیانگ، انقلاب فرهنگی یا قتل عام میدان تیان آنمن در کلاس‌های درس خودداری کنند. با توجه به نیاز دانشگاه‌های غربی به تحصیل دانشجویان خارجی، مقامات دولتی نیز تمایلی به دفاع از اساتیدی که دانشجویان چینی آنها را از خود رانده‌اند، نشان نمی‌دهند (Cole, 2018: 14-15).

حدود ۳۵۰ هزار دانشجوی چینی هر ساله برای تحصیل به آمریکا می‌روند. مقام‌های آمریکایی و تحلیل‌گران می‌گویند که اینها بخشی از تلاش‌های دائمی و تهاجمی چین برای تضعیف صنایع آمریکا، ربودن اسرار و کاهش نفوذ آمریکا در جهان است؛ تا پکن بتواند دستورکار خود را توسعه داده و پیش ببرد. جو آگوستین<sup>۱</sup>، افسر سابق سیا، در این زمینه گفته که سرویس‌های اطلاعاتی چینی به جای تلاش برای آموزش جاسوس‌های کارآموده برای رسوخ در دانشگاه‌ها و نهادهای تجاری آمریکا، به شکل استراتژیک از اعضای جمعیت‌های

دانشجویی به عنوان «عوامل در دسترس» یا «نفوذکنندگان پنهان» استفاده می‌کنند (Marquardt and Cohen, 2019).

## ۶. ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری

یکی دیگر از تکنیک‌های چین برای نفوذ در جهان، استفاده از سرمایه مالی و سرمایه‌گذاری خارجی برای مقاصد غیر از رشد و توسعه اقتصادی است. به گفته بسیاری از تحلیل‌گران، چین از سرمایه‌گذاری خارجی برای شکل‌دهی به اهداف خود استفاده می‌کند (Walker and Ludwig, 2017). در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ حزب کمونیست چین از اقتصادهای ضعیف‌تر اروپایی که نیاز اضطراری به سرمایه‌گذاری خارجی داشتند، بهره‌برداری کرد. این حزب در ازای کاهش حمایت آن‌ها از موضوعاتی چون حاکمیت بین‌المللی قانون و حقوق بشر، مقادیر زیادی پول به این کشورها تزریق کرده است. گفته می‌شود که چین از این روش برای گسترش شکاف میان کشورهای اروپایی استفاده کرده است. در طول بحران بدهی یونان، چین سرمایه‌گذاری زیادی در این کشور انجام داد. این سرمایه‌گذاری‌ها مزایای سیاسی به همراه داشته است؛ به طوری که از سال ۲۰۱۶ یونان به عنوان عضوی از اتحادیه اروپا همواره با برنامه‌های این اتحادیه در انتقاد از سیاست‌ها و سوابق حقوق بشر چین مخالفت کرده است (Horowitz and Alderman, 2017).

در ژوئن ۲۰۱۷ یونان مانع راهیابی یکی از بیانیه‌های اتحادیه اروپا (که از سابقه حقوق بشری چین انتقاد می‌کرد) به شورای امنیت شد (بتن، ۱۳۹۸: ۲۰). در سال ۲۰۱۲ زمانی که حزب کمونیست چین، چارچوب همکاری «۱۷+۱»<sup>۱</sup> را مطرح کرد، مجارستان نخستین کشوری بود که به آن پیوست. همانند یونان، مجارستان نیز همواره با انتقاد اتحادیه اروپا از موارد نقض حقوق بشر توسط چین مخالفت کرده است. انستیتو رویال یونایتد سرویس<sup>۲</sup> طی گزارشی که در مورد فعالیت‌های روسیه و چین در اروپا ارائه داده، گفته که چین می‌خواهد اطمینان حاصل کند که در مواجهه ایالات متحده با نفوذ جهانی چین، اروپا در کنار آمریکا جبهه مشترکی علیه چین ایجاد

---

۱. گروهی از ۱۶ کشور واقع در مرکز و شرق اروپا که در سال ۲۰۱۲ توسط چین تشکیل شد.

2. Royal United Services Institute (RUSI)

نمی‌کند. از سوی دیگر، پکن تلاش می‌کند تا هرگونه انتقاد اروپایی‌ها از سوابق نامطلوب نقض حقوق بشر در چین را از بین ببرد (Zhang, 2020).

بر اساس برآوردی، چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ حدود ۷۳ میلیارد دلار به کشورهای آفریقایی وام داده است؛ از جمله حدود ۱۵ میلیارد دلار کمک رسمی در زمینه توسعه (مازار و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰). تحقیق دیگری، میزان سرمایه‌گذاری چین در آفریقا بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ را ۱۵۳ میلیارد دلار اعلام کرده است (Usman, 2 June 2021). در آمریکای لاتین، وام‌های چین از مجموع وام‌های بانک جهانی و «بانک توسعه بین‌آمریکایی»<sup>۱</sup> بیشتر شده است. این وام‌ها موجب شده تا در عرصه دیپلماتیک، تعدادی از کشورها تصمیم به قطع روابط دیپلماتیک با تایوان گرفته‌لند. در ژوئن ۲۰۱۷ پلناها اعلام کرد که به روابط دیپلماتیک با تایوان پایان داده و اکنون «تنها یک چین» را به رسمیت می‌شناسد (هیئت تحریریه آپک تایمز، ۱۳۹۹: ۲۵). بر اساس تحقیق مازار و دیگران در مؤسسه رند، در مقابل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که پرداخت وام‌ها را مشروط به ضوابطی و رعایت دستورالعمل‌هایی می‌کنند، چین اغلب هیچ شرایطی برای وام‌های خود لحاظ نمی‌کند. هرچند این وام‌ها، کشورهای دریافت‌کننده را ملزم می‌کند تا برای پروژه‌های توسعه‌ای خود از مواد یا خدمات چینی استفاده کرده یا از اهداف دیپلماتیک چین از جمله سیاست چین واحد حمایت کنند (مازار و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰).

حزب کمونیست چین علاوه بر سرمایه‌گذاری، از «تله بدهی» نیز برای دستیابی به منافع استراتژیک استفاده می‌کند. وقتی که در سال ۲۰۱۷ کشور سریلانکا نتوانست بدهی خود به شرکت‌های چینی را بپردازد، حق استفاده از بندر هامبانتوتا را به مدت ۹۹ سال به شرکتی چینی واگذار کرد. به گزارش نیویورک‌تایمز، چین با استفاده از تله بدهی، در راستای به دست آوردن دارایی‌های استراتژیک از قبیل بنادر به‌ویژه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا اقدام کرده است. چین به نحو قابل ملاحظه‌ای از اهرم مالی و سیاسی برای پیشبرد اهداف و منافع ژئوپلیتیکی استفاده کرده است. این کشور از طریق «ابتکار کمربند-جاده» نیز سعی دارد بنادر راهبردی برخی کشورها را در اختیار بگیرد (Abi-Habib, 2018). همچنین، برخی تصمیم



یونان، مجارستان و کرواسی مبنی بر مخالفت با انتقاد از چین در بیانیه سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا پیرامون مناقشه دریای چین جنوبی را اقدامی تحمیل شده از سوی پکن در ازای سرمایه‌گذاری در این سه کشور قلمداد می‌کنند.

جف اسمیت<sup>۱</sup>، محقق بنیاد هریتیج، می‌گوید که چینی‌ها با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مهم و حساس کشورها، در پی افزایش قدرت خود هستند؛ تا بتوانند از آن به‌عنوان ابزار سیاست خارجی برای مجازات، اجبار یا تحریک کشورها برای پیشبرد برنامه‌ها و اهداف چین و همسویی آن‌ها با برنامه‌های این کشور استفاده کند (Smith, 2018: 2-2).

### ه. ایران و قدرت تیز چین

هرچند در مورد سیاست و رویکرد چین در قبال ایران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، برخی فعالیت‌های پژوهشی انجام و منتشر شده است، اما در مورد نفوذ چین در ایران و آنچه که در قالب قدرت تیز و عملیات نفوذ چین در این مقاله سخن به میان آورده شد، به نظر می‌رسد بحث چندانی صورت نگرفته است. اولین شعبه مؤسسه چینی کنفوسیوس در ایران، در دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه تهران گشایش یافت. پس از آن، دانشگاه مازندران دومین دانشگاهی بود که میزبان این نهاد شد. پکن ادعا می‌کند که رویکرد این مؤسسات، فرهنگی است و به‌دنبال گسترش زبان چینی است. مؤسسات کنفوسیوس، فرهنگ الحاد و خداناباوری را گسترش می‌دهند. این در حالی است که جامعه ایران، جامعه‌ای دینی با فرهنگ اسلامی-ایرانی است. همچنین، بر اساس گزارش‌های متعدد آژانس‌های اطلاعاتی و گزارش اندیشکده‌های مهم، این مؤسسات ابزار اعمال نفوذ چین در خارج از کشور هستند و این موضوع، یکی از نگرانی‌های بسیاری از کشورهای به‌ویژه کشورهای غربی در سال‌های اخیر بوده است. توجه به این مسائل و حساسیت‌ها نسبت به آنها، از ضروریاتی است که نیاز است سیاست‌مداران ایرانی به آنها توجه داشته باشند.

در فروردین ۱۴۰۰ اعلام شد که توافق ۲۵ ساله‌ای با عنوان «برنامه همکاری جامع جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» میان چین و ایران نهایی شده است. هرچند با توجه به منتشرنشدن اسناد رسمی این قرارداد، نمی‌توان تحلیل درستی از فرصت‌ها و تهدیدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد، ولی نویسنده با توجه به مطالبی که در این مقاله آورده شد، توجه به چند نکته اساسی را برای سیاست‌گذار ایرانی لازم و ضروری می‌داند: نخست، اینکه جمهوری خلق چین سوابق مطلوبی در زمینه اجرای قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها خود با ایران ندارد. از جمله می‌توان به همراهی نکردن این کشور با بازگشت دلارهای نفتی به ایران حتی پس از تمام دوره تحریم و درخواست مطالبه ۱۵ درصدی تفاوت قیمت در صورت بازگرداندن این پول‌ها از یوان به دلار؛ کوتاهی در اجرای بسیاری از تعهدات خود در ایران از جمله مشارکت در ساخت بزرگراه تهران شمال؛ تأخیرهای طولانی در شروع به کار و در نهایت خروج از کنسرسیوم فاز ۱۱ پارس جنوبی؛ بی‌تمایلی پیمانکاران چینی در عملیاتی کردن طرح فولاد زرنده؛ ناموفق ماندن همکاری چینی‌ها با سازمان انرژی اتمی در طراحی مجدد راکتور آب سنگین اراک؛ و همراهی نکردن در ده‌ها طرح و پروژه یا ناتمام گذاشتن آنها اشاره کرد. همه اینها نشان می‌دهد که چین با ده‌ها پروژه ناتمام و معیوب در ایران، شریک مطمئنی است.

همچنین، تجارب خوبی در زمینه سیاست‌های چین در رابطه با کشورهای دیگر از جمله سریلانکا، پاکستان، کشورهای آفریقایی، اروپایی و آمریکای جنوبی مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، ایران فقط یکی از پنج شریک اصلی چین در خاورمیانه محسوب می‌شود و رویکرد چین نسبت به ایران و خاورمیانه بیش از هر چیزی تجارت‌محور است تا توسعه‌محور یا ژئوپلیتیکی. ضمن اینکه به دلیل خصلت تجارت‌محوری سیاست‌های چین در خارج، این کشور در زمینه صادرات فناوری به کشورهای دیگر بسیار کنترل‌شده عمل می‌کند و به آسانی اجازه دسترسی دیگران به فناوری و دانش فنی روز خود را نمی‌دهد. بنابراین، هرچند جمهوری اسلامی ایران به خاطر تحریم‌ها و تقابل با غرب، رویکرد نگاه به شرق را مورد اهتمام جدی قرار داده و برای فروش نفت، استفاده از سرمایه‌گذاری و فناوری به چین نیاز دارد و این ممکن است فرصت‌هایی نیز برای کشور داشته باشد، اما بررسی همه جوانب، آثار و پیامدهای توافقی‌ها با

چین، موضوعی است که سیاست‌گذار ایرانی باید به آن اهتمام جدی داشته باشد؛ تا مبادا منافع ملی فدای برخی مصالح سیاسی و زودگذر شود.

### نتیجه‌گیری

پیامدهای نفوذ چین در کشورهای دیگر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. دستگاه‌های اطلاعاتی بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که چین در سیاست‌های کشورهای دموکراتیک نفوذ کرده و حاکمیت ملی آنها را به خطر انداخته است. چین مانند هر کشور دیگری به دنبال کسب قدرت و نفوذ است و برای شکل‌دهی به دنیای جدید و ایجاد نظم بین‌المللی مطلوب خود، حفظ کنترل حزب کمونیست، تضمین رشد اقتصادی، دفاع از حاکمیت و قلمرو خود و تحقق رؤیای تجدید حیات ملت چین، به اعمال نوع جدیدی از قدرت رو آورده است که در این مقاله، تحت عنوان «قدرت تیز» به آن پرداخته شد. چین در داخل نیز با مشکلات و چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. این کشور با موضوع حل‌نشده تایوان و چالش‌ها در رابطه با هنگ کنگ، سین کیانگ، فالون کنگ‌ها و همچنین، موضوعات حقوق بشری مواجه است؛ که همواره مورد انتقاد جهانی بوده و به وجهه و اعتبار چین به‌عنوان کشوری نوظهور که در زمینه اقتصاد و توسعه به دستاوردهای مهمی دست یافته است، خدشه‌دار وارد کرده است.

در برخورد با این نگرانی‌ها، استفاده از استراتژی، ابزارها و فنون جدیدی مورد توجه حزب کمونیست و رهبری چین قرار گرفته است. چین از میزانی از قدرت نرم برخوردار است و در زمینه قدرت سخت نیز در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی داشته است، اما اینها ابزارهای کارآمدی برای این کشور محسوب نمی‌شوند. برای کشوری مانند چین با ویژگی‌های اقتدارگرایی سیاسی و نظام کمونیستی‌اش، دستیابی به نفوذ نیاز به استراتژی، ابزارها و فنون جدیدی دارد؛ که هم مطابق آمال، نوع نظام و تولنایی چین باشد و هم بتولند منافع ملی این کشور را شکل دهد. بر این اساس، آنچه «قدرت» نامیده شده و در این مقاله در مورد آن بحث شد، مورد توجه جدی پکن برای شکل‌دهی و نفوذ در خارج قرار گرفته است. برای چین، نفوذ

و رخنه در میان محافل دانشگاهی و نخبگان که زرادخانه‌های قدرت فکری هر کشوری هستند و همچنین، نفوذ در میان سیاستمداران کشورهای دیگر و کنترل آنها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

ترکیبی از قدرت، ایدئولوژی، رسانه‌ها، کنسولگری‌ها، تله بدهی، مؤسسات کنفوسیوس، سرمایه‌گذاری و فناوری به چین این اجازه و نیرو را می‌دهد تا این نوع از قدرت یعنی قدرت تیز را در راستای افزایش نفوذ پنهان خود در خارج به کار گیرد و به شناخت و دستورکارهای دیگران نسبت به خود شکل دهد.

## منابع

- ایک تایمز (۱۳۹۹) نفوذ حزب کمونیست چین در رسانه‌های آمریکایی، قابل دسترسی در ایک تایمز فارسی: [www.persianepochtimes.com/3](http://www.persianepochtimes.com/3)
- ایک تایمز (۱۳۹۹)، جاه‌طلبی‌های جهانی حزب کمونیست چین، قابل دسترسی در ایک تایمز فارسی: Persian [epochtimes.com](http://epochtimes.com)
- بتنزن، ناجا (۱۳۹۸) عملیات‌های نفوذ خارجی در اتحادیه اروپا، سرویس تحقیقاتی پارلمان اروپا، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، کد گزارش ۹۸-۲۲۴.
- دهوگ، اینگرید (۱۳۸۸) دیپلماسی عمومی در جمهوری خلق چین، در: ژان میلسن و همکاران، دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، دانشگاه امام صادق (ع).
- مازار، مایکل، هیث، تیموتی و استو کوالس، استرید (۱۳۹۸) چین و نظم بین‌المللی، ترجمه محسن محمودی و جواد عرب یار محمدی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، کد گزارش: ۹۷-۱۴۵.
- Allen-Abrahamian, Bethany (2017) This Beijing-Linked Billionaire Is Funding Policy Research at Washington's Most Influential Institutions, **foreignpolicy.com**/2017/11/28
- Bandurski, David (2016) Mirror, Mirror on the Wall, **China Media Project**.
- Brady, Anne-Marie (2017) Magic Weapons: China's Political Influence Activities under Xi Jinping, [www.wilsoncenter.org/sites/default/files/media/document/article/magic-weapons.pdf](http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/media/document/article/magic-weapons.pdf)
- Cheng, Evelyn (2018) Chinese Telecom Giants Huawei and ZTE face Market Pressures Amid USScurty, **CNBC**.
- Cole, J. Michael (2017) Taiwan Confirms China's Black Hand Behind Anti-Reform Protests, **Taiwan Democracy Bulletin** 1, No. 10.
- Cole, J. Michael (2018) The Hard Edge of Sharp Power Understanding China's Influence Operation Abroad, **A Macdonald-Laurier Institute Publication**.
- Diamond, Larry, Schell, Orville (2018) China's Influence & American Interests promoting Constructive Vigilance, **Hoover Institution Press**.
- Diresta, Renee, Carly Miller, Vanessa Molter John Pomfret, And Glenn Tiffert (2020) Telling China's Story: The Chinese Communist Party's Campaign to Shape Global Narratives, **Hoover Institution**.
- Economist, (2017) What to Do about China's, Sharp Power, Economist, Dec 114, [www.economist.com/leaders/what-to-do-about-chinas-sharp-power/2017-12-14](http://www.economist.com/leaders/what-to-do-about-chinas-sharp-power/2017-12-14)
- Green, Ethan (2020) Sharp Power: How Foreign Election Interference Is Changing the Global Balance of Power, **WWU Honors Program Senior Projects**.
- Hamilton, Clive (2018) **Silent Invasion: China's Influence in Australia**, Melbourne: Hardie Grant.
- Horowitz, Jason, Alderman, Liz (2017) Chastised by EU, a Resentful Greece Embraces China's Cash and Interests, **The New York Times**.
- Gao, George (2017) Why Is China so Uncool Soft Power Beijing Censorship Generation Gap, March 8, 2017, <https://foreignpolicy.com/2017/03/08>, accessed 15 December 2019
- Ikenberry, G. John (2004) Soft Power: The Means to Success in World Politics, **Foreign Affairs**, 83 (3).
- Kynge, James, Hornby, Lucy, Anderlini, Jamil (2017) Inside China's Secret, Magic Weapon, For Worldwide Influence, **Financial Times**, October 26.

- Leonova, Olega (2019) Sharp Power-The New Technology of Influence in a Global World, **Security Problems in Contemporary World**, No 2, T, 63.
- Little, (2015) Michael Chan and The Troubling Thumbprint of The Chinese Communist Party in Canada, June 17, <http://www.theepochtimes.com>
- Marquardt, Alex, Cohen, Zachary (2019) U.S Intelligence Warns China Using Student Spies to Steal Secrets, [www.cnn.com](http://www.cnn.com)
- Mattis, Peter (2018) An American Lens on Chinas Interference and Influence-Building Abroad, **The Asian Forum**.
- McClintock, Bruce (2017) Russian Information Warfare: A Reality That Needs a Response, RAND Corporation.
- Mckenzie, Nick, Baker, Richard (2017) Chaineese Operations in Australi: Payments, Power, and Our Politicians, **The Sydney Morning Herald**.
- Ministry of Education of the People's Republic of China (December 16, 2020) Statistics on Chinese learners studying overseas in 2019, [http://en.moe.gov.cn/news/press\\_releases/202012/t20201224\\_507474.html](http://en.moe.gov.cn/news/press_releases/202012/t20201224_507474.html)
- Nye, Joseph S. Jr (2014) The Information Revolution and Soft Power, **Current History**, 113 (759): 19-22
- Nye Jr, Joseph S (a) (2018) How Sharp Power Threatens Soft Power, **Foreign Affairs.com/article/chaina/2018-01-24**
- Nye Jr, Joseph S (b) (2018), China's Soft and Sharp Power, Jan 4, **Project Syndicate**.
- Senead, Short (2018) Sharp Power: China's Solution to Maintaining the Legitimacy of Its Non-Interference Policy, Iowa Research Online.ir.uiowa.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1286&context=honors\_theses
- Smith, Jeff M. (2018) China's Belt and Road Initiative: Strategic Implications and International Opposition, **The Heritage Foundation**.
- Stepar, Roman (2020) China's Sharp Power: How China Seeks to Influence and Coerce its Neighbors, **Institute of Political Science UK FSV**.
- Stokes, Mark and Hsiac, Russell (2013) Political Warfare with Chinese Characteristic, **Project 2049 Institute**.
- Taehwan, Kim (2018), Authoritarian Sharp Power: Comparing China and Russia, **The Asan Forum**, June 18, [www.theasanforum.org](http://www.theasanforum.org)
- Theohary, Catherine A. (2018) Information Warfare: Issues for Congress, **Congressional Research Service**, 7-5700.
- Abi-Habib, Maria (2018), How China Got Sir Lanka to Cough Up a Port, **New York Times**.
- Uhlmann, Chris and Andrew Greene (2017) Chiness Donors to Australian Political Parties: Who Gave How Much? **Australian Broadeasting Corporation**.
- Usman, Zainab (2 June 2021) What Do We Know About Chinese Lending in Africa? **Carnegie Endowment for International Peace**.
- Walker, Chirstopher, Ludwig, Jessica (2017) From Soft Power, To, Sharp Power, Rising Authoritarian Influence in the Democratic World, **National Endowment for Democracy**, International Froum For Democratic Studies.
- Williamson. Kelly (2017-2018) Nothing Soft about Chinas Sharp Power, **Canadian Forces College, JCSP 43 DL**
- Zhang, Alexander (2020) Germany on Frontline against Chinese, Russian Influen: Report, <http://www.theepochtimes.com/Germany-on-frontline-against-chinese-russian-influene-Report/3447076.html>.